

کارگران سوسیالیست آمریکا هیچ توهی نسبت به نقش آفرینی‌های دولت این کشور در صحنه بین‌المللی ندارند. همانگونه که این دولت ابزار حاکمیت و سیادت طبقاتی بورژوازی آمریکاست، در سطح به مراتب وسیع‌تر جهانی نیز عملکرد وی کماکان در جهت حفظ، گسترش و بازتولید سیادت طبقاتی بورژوازی است. این نهایت سطحی نگری - بلکه شیادی - است که برای برنامه‌های فرامرزی نهادهایی از زیرمجموعه‌های وزارت خارجه‌ی آمریکا به جستجوی مضامین و اهدافی ماوراء طبقاتی نشست. پراتیک مبتنی بر چنین لغزشی اولاً دوری گزیدن از انترناسیونالیسم پرولتری و رویارویی با کارگر آمریکایی و جهانی است و ثانیاً جلا دادن به زنجیرهای اسارت طبقه کارگر ایران در مقابل منافع استراتژیک بورژوازی امپریالیستی است. نزد پرولتاریای ایران مقابله با نفوذ نهادهایی همچون سولیداری سنتر در مقیاس ایران و خاورمیانه از جمله وظایف تخطی ناپذیر انترناسیونالیسم کمونیستی در دوران حاضر است. (قادر)

دولت بوش در ازای تأمین بودجه سولیداریتی سنتر چه دریافت کرد؟

نویسنده: هاری کلبِر * (Harry Kelber)

منبع: وبسایت مانثلی ریویو (MR Zine)، ۳۰ ژانویه ۲۰۰۹ / مترجم: سودا ثانی / اختصاصی قادر

<http://www.monthlyreview.org/mrzine/kelber300109>

در سال ۱۹۹۷، آ.اف.ال. - سی.آی.او. (AFL-CIO) (اتحادیه سراسری آمریکا) با درآمیختن چهار نهاد منطقه‌ای خود که در سراسر دنیا مشغول به کار بودند، "مرکز آمریکائی برای همبستگی بین المللی کارگری" (مشهور به سولیداریتی سنتر) را ایجاد کرد. سولیداریتی سنتر مأموریت خود را چنین اعلام نمود: "کمک به ایجاد یک جنبش جهانی کارگری از طریق تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی کارگران سراسر دنیا توسط اتحادیه‌های مؤثر، مستقل و دموکراتیک".

به اعضای اتحادیه هرگز گفته نشد که دولت بوش بودجه سولیداریتی سنتر را سالها از طریق اعتبارات هنگفت از سوی وزارت خارجه آمریکا، آژانس امریکائی برای سازمان توسعه بین المللی، و وزارت کار آمریکا تأمین نموده و سهم کمک‌های آ.اف.ال. - سی.آی.او. بسیار ناچیز بوده است.

سولیداریتی سنتر در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۰۸ روشن نموده که بیش از ۹۵ درصد بودجه اش (۱۵۱،۳۷۳،۲۷۰ دلار) از محل اعتبارات دولت فدرال می‌آید حال آنکه فقط ۲/۲ درصد آن (۸۶۲،۸۶۶ دلار) از اتحادیه آ.اف.ال. - سی.آی.او. تأمین می‌شود. واقعا چرا دولت فدرال به این وسعت در سولیداریتی سنتر سرمایه گذاری میکند؟ دولت بوش هرگز به اعتلای همبستگی بین المللی کارگران علاقه‌ای نداشته است. از آن مهمتر، سولیداریتی سنتر در ازای تأمین اعتبار برای ادامه موجودیتش، متقابلاً باید چه خدمتی به دولت کند؟

اعضای اتحادیه، استحقاق شنیدن جوابی صادقانه به سؤالات مشروع خود را دارند! اما جان سونینی (John Sweeney) رهبر آ.اف.ال. - سی.آی.او. و بالاترین مقام در هیأت امنای سولیداریتی سنتر، تاکنون از دادن جواب طفره رفته است. در حقیقت، بخشی از جواب بسیار واضح است. سولیداریتی سنتر با استفاده از پول اهدائی دولت فدرال، دفاتری را برای ۲۶ کشور تأسیس نموده و کارمندانی را استخدام کرده. از جمله این کشورها اتیوپی، رواندا، سوازیلند در افریقا، فیلیپین، سری لانکا و تایلند در آسیا، و بحرین، ایران و کویت در خاورمیانه می‌باشند.

چرا این ۲۶ کشور بخصوص برای دریافت این "کمک‌ها" انتخاب شده اند در حالی که اکثریت آنها اگر نه تمامشان - هیچ رابطه ای با اتحادیه های امریکائی نداشته اند؟ دلیل اینکه همبستگی بین المللی کارگری موضوع فعالیت سولیداریتی سنتر در کرواسی، نامیبیا، تونس، نپال و قطر قرار گرفته، چیست؟ شمار کارمندان سولیداریتی سنتر چه اندازه است که در لاف می زند که به کارگران کشورهای که درگیر جنگهای داخلی ویا زیر سلطه رهبران خود کامه اند کمک می کند؟

الی لارسون، مدیر اجرائی سولیداریتی سنتر، گزارش می دهد که در طول ۱۲ ماه گذشته، از ۱۴ کشور که سولیداریتی سنتر در آنها دفتر دائر نموده و نیز هفت کشور دیگر که در آنها همکارانی و یا برنامه هائی در دست اجرا دارد، دیدن کرده است. وی از "پشتیبانی ای که ما، نمایندگان جنبش طبقه کارگر از گسترش حقوق کارگران دنیا به عمل می آوریم" سخن میگوید. از کی تا بحال او مجاز شده که بنام جنبش کارگری ایالات متحده صحبت کند؟ و در طی دیدارهایش از کشورهای مورد بازدیدش چه چیز هائی به نام ما گفته است؟

برای وجود پایگاههای سولیداریتی سنتر در ۲۶ کشور، توضیحی ساده و عقلانی وجود دارد. با توجه به اینکه اینها جایگاه ناچیزی در امر ارتقاء همبستگی کارگری دارند، مسلما تنها کارکرد مفیدشان بعنوان چشم و گوش وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا خواهد بود. این مرکز مانند بازوی سیاست خارجی ایالات متحده عمل می کند. چنانکه در کودتای نافرجام علیه دولت منتخب و قانونی هوگو چاوز در سال ۲۰۰۲ عمل کرد. هم چنین بر هیچکس پوشیده نیست که سولیداریتی سنتر هیچ انتقادی از جرج بوش و جنگ عراق ننموده و حتی اشاره ای هم بدان نکرده. گویی اینها اصلا وجود خارجی نداشته اند.

سولیداریتی سنتر، نشریات برآق، تمام رنگی و نفیسی چاپ میکند همراه با انبوهی از عکسهای جذاب، که معدودی از اعضای امریکائی اتحادیه ها آنها را دریافت کرده و یا حتی آنها را دیده اند. (لارسون از اعلام اینکه چه تعداد پخش شده و کجا، خودداری میکند.)

به هر حال، مادام که هیچ نظارتی بر فعالیتهای سولیداریتی سنتر اعمال نمی شود، او می تواند دستاوردهایش را بزرگ جلوه دهد و از تمجید خود لذت برد. در بروشور سولیداریتی سنتر گفته میشود: "ما دموکراسی و آزادی و احترام به حقوق کارگران را در تجارت جهانی، در سیاست های سرمایه گذاری و توسعه، و در شیوه های وام و قرضه های مؤسسات مالی بین المللی ترویج می نمایم. بالاتر از آن، به کارگران جهان فرصتی می دهیم که صدایشان در اقتصاد جهانی و در جهان آینده شنیده شود." (لاف و گز افهای کلاس بالایشان را پایانی نیست.)

ما باید اصرار ورزیم که سوئینی توضیح دهد از چه رو مرکز همبستگی آ.اف.ال - سی.آی.او، ۹۵ درصد بودجه اش را از دولت فدرال میگیرد؟ و بهائی که در برابر این حمایت مالی باید پردازد چیست؟ و ما باید بخواهیم که لارسون، عملکرد سولیداریتی سنتر در ۲۶ کشور جهان را توضیح دهد - اینکه چگونه این امر به همبستگی کارگری بین المللی یاری میرساند. نمیتوانیم اجازه دهیم آنها همچنان به سکوت خود در باره امری به این درجه از اهمیت ادامه دهند.

* هاری کلبر در طول زندگی اش، همواره بعنوان سازمانده، ناشر اتحادیه، جزوه نویس کارگری، مسئول آموزشی، استاد مطالعات کارگری، سخنران بین المللی، و مفسر هفتگی مسائل کارگری در اینترنت، در خدمت جنبش کارگری بوده است. وی عضو دیرینه و حق عضویت پرداز اتحادیه کارگران حرفه چین نیویورک، شما میباشد. وی نویسنده دو کتاب: «چاپچی های اتحادیه و اتوماتیزاسیون کنترل شده» و کتاب «۶۰ سال زندگی من چون یک فعال کارگری» میباشد.

کلبر بنیانگذار و ویراستار خبرنامه "آموزشگر کارگری" است که از سال ۱۹۹۰ یک دسته اصلاحات را در اتحادیه برای تجدید حیات جنبش کارگری تبلیغ می کند. این مقاله اولین بار در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹ در خبرنامه «آموزشگر کارگری» منتشر شد.